

عنوان مقاله:

تحلیل کهن الگویی هفت خوان رستم با تکیه بر نظریه روان شناسی یونگ

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، دوره 15، شماره 55 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

اکبر شاملو - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

ابراهیم واشقانی فراهانی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

رامین خداکرمی - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

خلاصه مقاله:

از رایج ترین شیوه های بررسی اساطیر، تحلیل روان کاوانه آن هاست. کارل گوستاو یونگ، واضع نظریه روان شناسی شخصیت، با مطرح ساختن مقوله کهن الگوها در پیچه ای تازه، رو به دنیای نقد و تحلیل اساطیر گشود. یونگ برای هر شخص، ناخودآگاه فردی و جمعی را در نظر می گیرد. از نظر او ناخودآگاه فردی بر لایه ای عمیق تر فطری بنا شده که ناخودآگاه جمعی یا کهن الگو نامیده می شود. بروز و ظهور کهن الگو در آثار هنری به خصوص ادبیات و اسطوره ها برجسته تر است. این پدیده در شاهنامه که از نامورترین اسناد اساطیری و حماسی ایرانی به شمار می رود، قابل توجه است. کهن الگوهایی چون عبور از موانع و مشکلات، پهلوان آزمون، نقش برجسته قهرمان (پهلوان)، مادرمثالی، سایه، آنیما، آنیموس و... از کهن الگوهای برجسته شاهنامه هستند. در هفت خوان رستم بسیاری از این کهن الگوها دیده می شوند؛ همچنین مطابق نظریه یونگ می توان مراحل هفت خوان را نوعی گذر از من و رسیدن به خود در جهت شکل گیری فردانیت روانی فرد دانست. این مسیر جز با یاری قهرمان (رستم) و گذر از سایه ممکن نیست. در واقع در این مسیر کیکاووس که نماد انسان است، در مسیر حرکت از من به خود (فردانیت فرد) از یاری های رستم (قهرمان) بهره مند می شود. این پژوهش با رویکرد تحلیلی تطبیقی و با تکیه بر نظریه روان شناسی یونگ، کهن الگویی داستان هفت خوان رستم را بررسی می کند.

کلمات کلیدی:

رستم، هفت خوان، کهن الگو، فردانیت، سایه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/928827>

